

<p>شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۲ <span> </span><span> </span>وطن امروز   شماره ۴۲۴۴</p>	<div><div><span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div>🔍</div></div></div></div></div>
نکته	

طلمس بردن استقلال با رفتن موسی‌مانه از تیم شکست رفتنت بهترین اتفاق بودا

**زه‌فلا‌حزاده**؛ تنها ۲۴ ساعت پس از رفتن پیتسو موسی‌مانه، استقلال بازی بدون او را با برد پشت سر گذاشت، یعنی آبی‌ها بدون موسی‌مانه تنها ۲۴ ساعت نیاز داشتند به لیگ بازگردند و پس از ۶ بازی بدون برد با مربی خارجی، به پیروزی دست پیدا کنند.

انتخاب موسی‌مانه از آن جهت از ابتدا هم درست نبود که هیچ‌گاه یک مربی موفق از قاره آفریقا نه‌تنها در ایران، بلکه در اروپا هم دیده نشده‌است اما به هر حال فرشید سمعی، مدیرعامل وقت استقلال این مربی ارزان‌قیمت را با رقم یک میلیون و ۳۰۰ هزار دلار به ایران آورد که نتوانست استقلال را از رده پانزدهم و دهم جدول به جایگاه بهتری برساند. اصلا بازیکنان هم دیگر انگیزه‌ای برای ادامه دادن با وی نداشتند و گمان می‌کردند کوجه آنرا عروسی نخواهد شد و تیم بخت برگشته دچار طلسم‌شده و اوضاعش وفق مراد نمی‌شود. اما استقلال با کادر ایرانی موسی‌مانه، یعنی همان کادری که پیش از مربی آفریقایی به صورت موقت هدایت تیم را برعهده داشت، توانست مهمان خوزستانی خود را با حساب ۲ بر صفر شکست دهد تا این برد حداقل تا پیش از بازی با الشرطه عراق در لیگ نخیکن، کمی التیام‌بخش باشد و امیدوار کنند.

استقلال در این دیدار برخلاف ۲ دیدار قبلی که موسی‌مانه، رامین رضاییان را در ترکیب ثابت قرار نمی‌داد یا از مسعود جمعه، مهاجم ضعیف خود استفاده می‌کرد، از رضاییان از ابتدای بازی استفاده کرد و جمعه به نیمکت دوخته شد.

حضور مه‌ران احمدی در تیم که موسی‌مانه علاقه‌ای به حضور او در استقلال نداشت و بازی دادن این بازیکن در ترکیب اصلی و نمایش فوق‌العاده او در نخستین دیدار خوبی نشان داد سرمربی آفریقایی همان بهتر که قراردادش را فسخ کرد و رفت؛ سرمربی‌ای که کاکوته‌پلی‌میکر خود را در لیست ملازم گذاشت اما از احمدی استقبال نکرد و انتظار داشت باشگاه با علاع‌زمانه ثابت‌آلمانی که یک‌سال فوتبال بازی نکرده و اصلا در قیدوقوره آنم بزرگی مثل استقلال نیست، قرارداد امضا کند. موسی‌مانه که می‌دانست مدیران جدید با توجه به نتایج ضعیف او قرار نیست قراردادش را تمدید کنند، اینگونه قصد داشت به باشگاه ضربه بزند و با خرید بازیکنان بجزلع باعث شود فصل بعد در تیم دست و پاگیر باشد.

مدیران استقلال بخوبی می‌دانستند خریدهای بعد موسی‌مانه برای تیم عایدی‌ای ندارد و جذب بازیکنان بی‌کیفیت و خائنشین که سرمربی دست روی آنها گذاشته بود، موجب افتادن باشگاه از چاله به چاله‌ است. به هر حال استقلال برای بازگشت روحیه از دست رفته خود نیاز به یک برد داشت که به این هدف هم رسید اما مدیران استقلال حتی اگر سهراب بختیاری‌زاده پیروزی‌های بعدی را هم با تیم به ارمان بیاورد، قصد ندارند با او تا پایان فصل ادامه دهند. آنها قصد دارند یک مربی معتبر خارجی را به خدمت بگیرند و برای آن هم یک کمیته ۴ نفره متشکل از پیشکسوتان راه‌اندازی می‌کنند تا گزینه‌های خارجی را بررسی کنند.

مدیران استقلال برای انتخاب سرمربی نمی‌خواهند اشتباه مدیران سابق را تکرار کنند و قصد دارند با بررسی‌های لازم در زمان مناسب یک گزینه اروپایی درخ‌رو نام باشگاه انتخاب کنند.

مدیران استقلال برای ساخت تیم فصل بعد هدف‌گذاری کرده‌اند و از همین حالا به فکر بستن یک تیم قدرتمند برای سال آینده هستند.

## واکنش

**چرا در دادگاه فوتبال برتر حکم براتن پیرو صادر شد؟**

## طغیان عمومی علیه حق خوری سیستانیک

اما مگر همه واقعیت همین بود؟
نه!ماجرا عمیق‌تر از این حرف‌هاست.اگر کمیته انضباطی همان روز اول درست عمل می‌کرد، اگر قطعانه می‌ایستاد، آیا این همه جنجال پیش می‌آمد؟ اصلا کسی جرات می‌کرد اینطور خون هودار را به جوش بیاورد؟ این بازیکن، همان که همه قصبه به او گره خورده، در ۲ سال اخیر کارهای عجیبی کرد. قراردادش را با پرسپولیس فسخ کرد، به آستانه پیوستن به تیم رقیب رسید اما بر پشت. هوداران او را یخ‌شیدند، نه یک بار، بلکه چند بار ولی او دوباره همان بازی‌ها را درآورد. این بار دیگر هیچ پرده‌ای باقی نماند. مشخص بود همه چیز فقط به خاطر پول است. دیگر چه انتظاری داشتید؟ هودار دست روی دست بگذارد و هیچ نگوید؟ طبیعی است اینطور نشود. حالا می‌خواهید منتظره سهراب بختیاری‌زاده را به آزمایشگاهی صبر کنید. در ایتالیا، هنوز که هنوز است دوناروما از دست هوداران میلان در امان نیست. در بازی تیم ملی هم به او ناسزا می‌گویند، حتی دلار به سمتش پرت می‌کنند. این درست‌است؟ نه‌اولی فوتبال همین است. یک بازی عجیب و غریب به با احساسات اندر بازی می‌کند. اما ببیناید برگردیم به اصل ماجرا. سنگ‌بارانی؟ این دیگر فوتبال نیست، این دیگر جنون است. ناسزا گفتن؟ زشت است ولی نمی‌کشد. سنگ‌باراکنی؟ این یکی می‌تواند جان آدم را بگیرد. این خطرناک‌ترین بخش ماجرا بود. همین سنگسنگ‌ها، همین تکه‌های بی‌جان، می‌توانستند جان انسان‌ها را بگیرند. این دیگر فقط یک اشتباه نیست، یک فاجعه‌است. و حالا برسیم به کمیته انضباطی. همان‌ها که با تصمیمات اشتباه‌شان، این خشم را شعله‌ور کردند، اگر از روز اول عدالت را اجرا می‌کردند، اگر جرأت می‌کردند محرومیت را بدون «تعلیق» اجرا کنند، هیچ‌کدام از این اتفاقات نمی‌افتاد. ولی حالا چه؟ می‌خواهید همه چیز را گردن یک نفر بیندازید؟ اسان است ولی بی‌انصافی. این فوتبال است، پر از عشق، پر از جنون، پر از خشونت. از پارسلونا تا ناپل، از میلان تا ماریا، این قصه‌ها همیشه بوده و هست اما نباید بگذاریم جنون جای عشق را بگیرد که اگر گرفت، خروجی کار همین است.



# شوت در آفساید

دروغ پردازی جدید علی دایی

این قسمت: ساخت ورزشگاه برای عراق، لبنان و سوریه

**عبدالله دارابی**: علی دایی اخیرا در حاشیه بازی پیشکسوتان در حالی که قرار بود علیه دبیر اظهار نظر کند، ناگهان به موضوع مدیریت در کشور اشاره کرد و گفت: «مدیریت این نیست که با هزینه ایران در کشورهای عراق، سوریه و لبنان ورزشگاه ساخته شود که در آنها به ایرانی اهانت شود و تورنمت خلیج عربی برگزار شود».

اینکه وی دغدغه ساخت استادیوم و اماکن ورزشی مناسب در کشور خودمان را دارد، بجاست اما اینکه بدون اطلاع درست و لایذ بر اساس شنیده‌های بدون مدرک و غیرواقعی از فضای مجازی و شبکه‌های دروغ‌پرداز، آدرسی غلط بدهد که قطعا به اسناد گفته‌های وی به عنوان چهره‌ای سرشناس، تبعاتی منفی هم در جامعه ایجاد شود و به موج‌سواری عده‌ای در داخل و خارج بینجامد، کاری پسندیده و مورد انتظار از وی نیست که متأسفانه دروغی آشکار هم هست. شایسته بود دایی حداقل حرمت مدرک دانشگاهی خویش را مراعات می‌کرد و با کسب اطلاعات صحیح و واقعی، اظهار نظری متقن می‌کرد نه ابراز نظری خلاف که ریشه در دروغ‌پردازی‌های پروپاگاندای وسیع رسانه‌های آن‌ور آبی دارد! یک سرچ ساده در گوگل از سال‌هاست دانش آموزان دبستانی هم بخوبی بلدندا ولی ظاهرا آقای مهندس نمی‌داند یا شاید هم خودش را به آن راه زده.

آقای دایی، محض اطلاع جنابعالی!

۱- ایران ورزشگاه برای آن کشور با پول ایران نیست. دایی واقعا از اساس کذب محض است. معلوم نیست دایی این ادعا را از کجا آورده است. این اولین دروغ دایی.

۲- درباره استادیوم با استادیوهایی که به دروغ گفته می‌شود دولت ایران برای عراقی‌ها ساخته است لازم به توضیح است در عالم واقعیت و نه گمان و شایعه، استادیومی در کربلا توسط

**علی دارابی**: سال‌هاست علاوه بر فحاشی، خشونت نیز در ورزشگاه‌های ما رواج یافته و بعضا در حصد جنون‌آمیزی مشاهده می‌شود که بیشتر رنگ و بوی چاله میدان را به ورزشگاه‌ها می‌دهد و متولیان امر ام از فدراسیون و باشگاه‌ها نیز عکس‌العمل قابل توجه و بازدارنده‌ای در برابر این رفتارهای هولیکنی نشان نمی‌دهند. فدراسیون فوتبال بیشتر به درآمذایی از این طریق بها می‌دهد و باشگاه‌ها نیز به متمم ساختن رقیب و مظلوم‌نمایی و بهره‌برداری‌های خود! گویی میدان جنگ و دعواست، نه استادیوم ورزشی!

بانوان نیز که حضور در ورزشگاه و تماشای مسابقات فوتبال را حق طبیعی خود می‌شمرندند و بدین حق دست یافته‌اند، متأسفانه بعضا در این گونه رفتارهای خشن و ناهنجار شریک و حتی مبدع شده‌اند و تجاوزی آشکار به حق طبیعی آن دسته از بانوانی می‌کنند که صرفا جهت تماشای فوتبال و تمشیق تیم مورد علاقه خود به ورزشگاه می‌آیند و قلم‌موجبات تهدید و تحدید حق این گروه را هم فراهم سازند!

آنچه در سسکوه‌ای ورزشگاه آزادی در بازی پرسپولیس که نوبرانه‌های تاسف‌باری نیز در خود داشت، فیلم‌هایی که از

شعارها، فحاشی‌ها و رفتارهای سخیف برخی هوداران خاتم منتشر شد، خود گویای همان نوبرانه‌هاست! آیا اینان مادران آینده و تربیت‌کننده نسل آتی خواهند بود؟ سرنوشت فرزندان چنین بانوانی چه خواهد شد؟

از تبعات خشونت هوداران ۲ تیم، فعلا ناپینا شدن یک طرفدار و شکستگی جمجمه ۵ نفر دیگر مخایره شده است؛ نقص و اندوهی که تا پایان عمر همراه ایشان است و



گرائی سبب زمینی در کشور، حرف دایی را بدین مقوله هم تعمیم داد و مدعی شد دولت ایران برای عراقی‌ها سبب‌زمینی رایگان می‌کارد و خودمان در ضعیقه‌ایم؟! ببینید چقدر ساده می‌توان سطح پایین فکر کرد؟ ببینید چقدر می‌توان خود را به نادانی زد؟

اما درباره خلیج فارس و ایران. آیا دایی این ماجرا را بهانه کرده یا وقتی پای منافع خودش در میان بوده آن کار دیگر را می‌کند؟ سال‌هاست کشورهای چون آلمان و امارات برخی شیطنت‌ها و دشمنی‌ها نسبت به ایران و ایرانی روا داشته و دارند و بعضا زیاده‌خواهی‌هایی بزرگ‌تر از حد و قواره خویش و خلاف اسناد معتبر بین‌المللی نیز دارند؛ هر ۲ کشور از حامیان صدام در تجاوز علیه تمامیت ارضی کشورمان بودند، آلمان بمب‌های شیمیایی را در اختیار صدام قرار داد که همه از عوارض ویرجا مانده آن بر مجروحان شیمیایی کشورمان در جبهه‌های جنگ و حتی مردم عادی برخی شهرهای مرزی ایران مطلعند، آلمان همواره از مغرضان مشکل‌ساز برای ایران و ایرانی در مجامع بین‌المللی بوده و هست. یکی از حامیان و مجریان تحریم‌های ظالمانه علیه مردم ایران، همین کشور است؛ از تحقیر ایرانی‌های مقیم آلمان توسط برخی مردم خودبرتربندار این کشور نیز که خطرات متعددی ذکر شده، پس چرا دایی که دغدغه کشور و مردم را دارد، سال‌ها در آلمان به فعالیت فوتبالی و تجاری پرداخت؟ امارات نیز به رغم کوچکی، سال‌هاست ادعای کذب مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی را دارد و در این راستا، از هیچ اقدام مذبوحانه نیز کوتاهی نکرده و قطر هم از حامیان ادعای پوچ آنها طی این سال‌ها بوده است. این ۲ کشور، خلیج همیشگی فارس را هم خلیج عربی می‌خوانند، پس چرا دایی، در باشگاه‌ها هر ۲ کشور توپ زد؟

**به بهانه اتفاقات تلخ بازی پرسپولیس – تراکتور؛ از فحش تا سنگ**

## وئنگاری روی سکوها

باید که را جولگو دانست؟ اصلا کسی در قبال این اتفاقات مسؤولیت می‌پذیرد؟ چه کسی باید یقه متولیان امر و مسؤولان مختلف دخیل در برگزاری و وظایف خود چنان که باید، اهتمام نمی‌ورزند!

قربانی جلوه می‌دهند و دیگری را متهم می‌کنند و دروغ از اندک وظیفه‌شناسی و عمل به مسؤولیت‌شان در این حیطة فدراسیون فوتبال نیز که لایذ و طبق معمول جرمه مالی را سفت می‌چسبد و غیر از این کار که منبع درآمد مطلوبی است، سعی می‌کند عملی انجام ندهد که منجر به ریزش آرای انتخاباتی‌اش شود و سایرین نیز که سواى اینان نخواهند بود!ا

آیا باید فحاشی‌های ناموسی ناهنجارتر شود و کشتاری در ورزشگاه‌راخ بدهد تا مسؤولان مربوط به خود آیند و مقداری هم به وظایف خویش همت گمارند؟ وقتی با اصلاح سیستم پلیت‌فروشی، شماره گذاری سلی‌ها و نصب دوربین‌های چهره‌زن می‌توانیم جلوی خیلی از این اتفاقات ناگوار را بگیریم، چرا دست روی دست گذاشته‌ایم؟ آقایان مسؤول در وزارت ورزش، فدراسیون فوتبال، باشگاه‌ها و سایر دستگاه‌های

بی‌تفاوت و بی‌تدبیری عملی نیز سهم مسؤولاتی (عوامل مختلف برگزاری مسابقه) که از کور شدن سرباز احمدی در مختلف عبرت لازم را نگرفتند و به وظایف خود چنان که باید، اهتمام نمی‌ورزند!

دیگر واژه تماشائگرما به عده قلیلی اطلاق نمی‌شود و چه بسا واژه تماشاگر شامل عده‌ای قلیل باشد!در این میان کارایی معاونت‌های فرهنگی و پیشوند و پسوندهای فرهنگی باشگاه‌ها دقیقاً چیست؟ مصرف بخشی از بودجه، اشغال چند متر فضا به عنوان دفتر، سر دادن یک سری شعارهای بی‌عمل و نصب پلاکاردها و انجام کارهایی صرفاً تبلیغاتی؟!

در تقابل پرسپولیس- تراکتور، علاوه بر ۳۰ هزار نفری که به عنوان تعداد تماشاگران بازی در نظر گرفته شده بود، ۲۵ هزار نفر دیگر نیز به سکوها راه یافتند، تعداد تماشاگران میهمان از ۳ هزار نفر مقرر شده به ۱۰ هزار نفر رسید و عده‌ای با شکستن زردها و بدون پلیت در ورزشگاه حاضر شدند. مسؤولیت این بی‌نظمی گسترده با کیست؟ برای سنگ‌هایی که به داخل برده می‌شود و برای تهاجم به هودار رقیب استفاده می‌شود



اگر قرار باشد خودمان را مانند علی دایی به تجاهل بزینم، حتما باید به دریافت پول از آلمانی‌ها و اماراتی‌ها توسط او انتقاد کنیم. شاید دایی اینجا درباره خودش انتظار دارد هم علاقه‌ن فکر کنیم اما در سایر موارد خودمان را مثل خودش به آن راه بزینم !

در کشاکش انتخاب سرمربی تیم ملی فوتبال و هنگامی که صحبت از احتمال انتخاب افشین قطبی برای این سمت بود، در برنامه ۹۰ علی دایی ناراحتى خود را اینگونه بیان کرد: «هر کس لابی قوی‌تری با مقامات دارد، سرمربی تیم‌ملی می‌شود و من انتخاب نمی‌شوم چون اهل لابی نیستم» و هنگامی که در عین ناباوری، خودش بدین سمت برگزیده شد، در جواب مجری همان برنامه که پرسید: «شما با چه کسی لابی کردید که گوی سبقت را از قطبی ربودید؟» گفت: «من با خدا لابی کردم!» سخنی که فی‌المجلس موجب تعجب مشهوده مجری برنامه ۹۰ (که اتفاقاً حامیان پر و باقرص دایی است) در برابر دیدگان میلیون‌ها مخاطب تلویزیونی شد!

آقای دایی! سوزنی نیز به خودتان بزنید. در حاشیه دیدار پیشکسوتان در مشهد و حین حضور استاندار خراسان رضوی، خود را به خواب تصنعی می‌زنید تا وانمود سازید میانه‌ای با مسؤولان ندارید و حتی از احوالبرسی با آنان گریزانید ولی سپس عکس حضورتان در دفتر شهردار بهشهر بیرون می‌آید که در حال فقههه و گمده با وی هستند!حتما می‌دانید نخستین چیزی که از این تناقض رفتاری به ذهن مخاطب متبادر می‌شود،نقش منافع شخص در چگونگی برخوردهاست! آقای دایی! زبینه‌ه نیست فردی سرشناس و تحصیلکرده، تناقضات رفتاری و گفتاری و اظهارنظرر بر پایه وهمیات و شایعات داشته باشد.

ذی‌بطرا!اگر وجدان‌تان حد کافی از بیداری را داشته باشد و اگر تعهد کافی نسبت به مسؤولیت بر عهده گرفته را داشته باشید، خود، خانواده و فرزند خویش را در معرض ترکش آسیب‌های هولیگانسیم موجود می‌دانستید، یقینا چاره و اهتمام عملی می‌ورزیدید. چرا باید بازیکن به جرم رقیب بودن در قیل، طول و بعد از بازی، مدام فحش ناموسی از خیل عظیم تماشاگر بشنود؟ چرا پدر و مادری که فرزندشان برای تماشای بازی به ورزشگاه رفته است، باید جسم و روح‌شان در تلاطم و اضطراب برای بازگشت سالم فرزندشان باشد؛ گویی منتظر بازگشت وی از میدان جنگ هستند؟! الان چه چیزی می‌تواند حتماً می‌آید جوان هودار فوتبال را جبران می‌کند؟

حوادث و ناهنجاری‌های این بازی بویژه رفتارهای زنده برخی بانوان که در واقع مرزهای اخلاق و غیرت را دریدند، نیازمند توجه، ریشه‌یابی و اقدام دقیق و بهنگام است و مقصران این وضعیت به خصوص کاهلان در انجام مسؤولیت، متأسفانه مجازاتی درخ‌رو و بدون تعارف هستند. فرضیاتی نیز که درباره بروز برخی رفتارها شنیده شده، لازم به بررسی و پیگیری است تا در صورت وجود منشأ و محرک هدفمند، نسبت به خنثی‌سازی و جلوگیری از اشاعه آن اقدام عاجل صورت گیرد. در بروز چنین وضع اسفناکی علاوه بر مرتکبان، مسؤولان وزارت ورزش و فدراسیون، مدیران ۲ باشگاه و کانون هوداران‌شان، مسؤولان برگزاری مسابقه و رسانه‌هایی که اولویت برای‌شان تعلقات رنگی است بدون شک سهیمند و مادامی‌که اینان اصلاح نشوند و به وظایف خویش اهتمام جدی نورزند، همین آش است و همین کاسه و چه بسا تلخ‌تر!

**تحلیلی بر نخستین نبرد ۲ بازیکن تازه‌وارد استقلال**

## از شمشیر بران احمدی تا پازل ناتمام حردانی و آزادی

جمعه – پیام روشنی از بی‌اعتمادی بختیاری‌زاده به جمعه ضعیف داد اما نمایش او در ترکیبی از امید و ناامی بود. استفاده هوشمندانه از بدن برای حفظ توپ، حرکتی نزدیک به گل در نیمه اول پس از ساتر رضاییان و چند تلاش محتاطانه، همگی نوید آیننده‌ای بهتر را می‌داد اما آزادی هنوز آن خصلت شکارچی بیرحم دروازه‌ها را ندارد. شاید او – مانند حردانی – نیازمند زمان است تا در فشار سنگین هوداران میلیونی استقلال به بلوغ برسد.

■ **پایان نبرد و آغاز یک معما**

استقلال با ۲ گل برنده شد اما واقعیت عمیق‌تر در حاشیه اعداد پنهان بود: بختیاری‌زاده با این ترکیب جسورانه، همزمان هم تاس ریخت و هم آینده را خواند. احمدی حالا به سلاحی تبدیل شده که فقدانش در نیم‌فصل اول به‌شدت احساس می‌شد. حردانی و آزادی اما همچون پازل‌هایی هستند که برای تکمیل تصویر استقلال، به زمان و تنظیم دقیق جایگاه‌شان نیاز دارند. سوال بزرگ این است: آیا این ۲ تازه‌وارد، در نبردهای سخت‌تر لیگ – آنجا که فشار رقابت به اوج می‌رسد – همچنان درخشش پنجشنبه را تکرار خواهند کرد؟ پاسخ را باید در گذر زمان و تیغ تحلیل جست‌وجو کرد.

با حواشی مختلفی همراه بود، از جمله مصدومیت امید عالیشاه به گرم کردن، تأخیر در شروع نیمه دوم به دلیل حضور تماشاگران در نقاط خطرناک ورزشگاه و اعتراض فولادی‌ها به داور.

کاروان پرسپولیس شنبه با پروازی چارتر از اهواز راهی ریاض می‌شود تا برای دیدار حساس مقابل الهلال عربستان آماده شود.

## توقف پرسپولیس در اهواز

زاده‌عطار که دقیقه ۷۰ وارد زمین شده بود، دقیقه ۷۸ با ضربه سر گل تساوی را به ثمر رساند.

این نتیجه باعث شد فولاد با ۳۵ و پرسپولیس با ۳۴ امتیاز در رتبه‌های سوم و چهارم جدول باقی بمانند. بازی

در نیمه دوم، فولاد برای جبران گل خورده فشار زیادی روی دروازه پرسپولیس وارد کرد. دقیقه ۶۲ سینا مریدی با شوتی خطرناک تیرک دروازه پرسپولیس را به لرزه درآورد. در نهایت، تعویض طلایی فولاد نتیجه داد و ابوالفضل



## توقف پرسپولیس در اهواز